

که تعلق همه چیز تزار و همه از کنشی باید خواست که همه دارو.

مقتضی خلیفه فرمود: هر تیغ زبانی که در شکر گدازین کند باشد او را بزبان تیغ سزا باید داد.

افلاطون فرمود: سزاوار نیست اویب را که غیر اویب را خطاب کند بدشستی بلکه بر فرق و

مارا چنانکه اهل هوش مستان را بگفت و زنی خطاب کنند.

عرب فرمود: الحسد یقتل الحاسد قبل ان یصل الی المحسود یعنی

حسد ماسد را میکشد قبل از رسیدن بدان چیز که بر او حسد بود.

بزرگ چهره از او ستا و پس بگوید که کلام عاقلانه از مردمانست گفت هر که کم گوئی و بسیار دانست

فاصلی فرمود: که انعام سبب برین مقتضی خواهد بود که بکلام قابل استبول بر قائل نظر نماید.

نکته از طعن و تشنیع خواهد بود که انعام غبار بلال را بخاطر راه و اول لایق ارباب محبت خواهد بود.

تندیبه آومیز باید که در گفتار کردن صحبت دوستان بنشینان خلط کردار و در شرف آنها بواجبی

عرب فرمود: العداوة فی الاقارب کالتشمر فی العقارب -

یعنی دشمنی و نزویگان مانند زهر است در گزند همسایگان.

نقدان حکایه را پرسیدند که اوب از که آموختی گفت از بی او باں که هر چه از افعال ایشان

در نظر من ناپسند آمد از آن احتراز کردم.

فائده آنست که لازمست که وقت تو غل اقبال خیال تنزل هم داشته باشد که اکثر غفلت

باعث نزول نه وال میگردد.

حکایت فرمود: هیچ انسانی بالاتر ازین نیست که آدمی شود منصف خود باشد یعنی در سبک حال

خود را ناشائسته بیند خود را حدیث منع زند -
زود ۱۶ پلاست ۱۳

عقیق گفته - بر هر چیز که فرو مباحات و زرا و ملاطبت اصل آن همه طفیل غریب و ساکن است -

ارسطو فرمود - هیچ ربی از حد غلبه نیست چه مرد و چه پویست از کمیت و نعمت

مردان در محنت و زحمت می باشند -

خواجۀ علی رامتنی را پرسیدند که بیان صیغه فرمود که این متن مصرعه یعنی از خلق کنی دل نخواهی پوی

عقیق گفته - که اهل عقل اکثر مردم غافل را که بفریب می آرد ازین ثابت میشود که عالم العیب را

بالکل غافل می پذیرند -

بزرگچهره فرمود - حکیم که زیاد به حاجت خود طلبیده او را علم حکمت فایده نبخشد و آنچه آن ثواب او بچسبید -

حکیم ابو عثمان دمشقی فرمود - از علماء هر که فروخی زیاد خواهد بود همان در عقل زیاد خواهد بود -

لطیفه جوانی پوست پلنگی بر زایل سپ انداخته بقا فریفت حکیمی دید و بچند بد و گشت این

پوست را بر پشت پلنگ گذاشتند پرشت اسپ هم نخواهند گذاشت -

عرب فرمود *الوالد الوشید یقتدی فی یابینا نحید* -

یعنی پسر رشید پروی میکند به پدر استوده خود -

لاریب مردم تاوان و میر و اسبب حاکمیت خود با خود را ملامت کمتر میکنند -

حکیم فرمود - هر آنچه پیش مردم راست باز دلیل نگوید پیش معندان زبوی و دلیل -

لهواد سپ فرمود - بیماری بر رخ مرد ما زاما بدست است پنا نچه گوشمال مردمان کوشش

مایه آسودگی خود آنهاست -

اوسط اطالیس مشہور بود۔ کسوت علم بطبع ثروت پوشیدیم چون بزرگی ہبل خوشم
نیاید از آن تحصیل علوم کو کشیدیم۔

عتیق گفتہ۔ ہر محالست کہ خلاف راستی ظہور خواہد نمود و در آن خوف و ہراس داخلی ضرور خواہد بود۔
افلاطون فرمود۔ اگر چیزی مستحق وہی اور محتاج سوال نگرداں۔ در استخفاف ذل
طلب و خجلت سوال کافیت۔

عالمی فرمود۔ سخاو و کرم اسراف نیست چہ ہر کہ بر رضای خدای بہمال مال و دولت را بشرت
حفاظت نفس صرف کرد اسراف کرہ۔

فیثاغورس فرمود۔ لائق نیست ترا کردن چیزیکہ ہر گاہ ترا باں سزایش کنند خشم شوی۔
عتیق گفتہ۔ ہر اودہ کہ فخر و سیاہات را کار فرمائید۔ فخر و سیاہات عظمت آن مادہ را بی ہمت ہارینہما
دیو جانسی کلی فرمود۔ سلیکہ از خداوند خود بپرید و عقب تو گماید اورا دور کن کہ روزی
ترا نیز بگذارد و پی و گیری گیرد۔

حکیم ابو مبرس فرمود۔ اگر لبلا ح و مشورت نقصان برسد بداند کہ لائق آن نقصان بود ہر۔
موسی علیہ السلام بیان نمود کہ مقتدالی فرمود۔ ہر کہ بر ظالم دعای بد نمود ہی خود حاصل فرمود۔
حکیم ابو محمد حروفی فرمود۔ ہر کہ بغر و دولت با اہل انجمن اسوار نماند خوار و بی اعتبار ماند۔

عتیق گفتہ بجایکستہی از اقسام کمالی اقدری نخواہد بود۔ در آن مقام وال آن کمال تاخیری نخواہد بود
حاذقی فرمود۔ اگر دوست خود را بادش خود بینی تا خوشش مشو کہ خاصہ دوست بر خصم
اگر محل اعتماد نیست محل اتحاد نیست۔

حق تعالی مقدمات اینها را بجهت انتظام داده است که هیچ یکی از افراد انسانی اگر چه محقر بود هرگز بیفایده نیست
سقراط را پرسیدند که چرا عزلت میگذرانی گفت در تنهای حواس ظاهر و باطن جلا میگیرد و قوت
و را که صیقل میپذیرد -

وای بر کسی که خود را بدست خود در محنت و بلا انداخت و بعد از آن ناچار شده از دشمن مدد خواست
فینا کغورس فرمود - پاک نفس قوت خلوت با مویشوت از دیگران هم زیاده تر از خود شرم میکند -
حکیم فرمود - مردم فرودمایه اکثر شکبر میباشند و شرف دیگران را بخود نسبت میکنند -
نکته در خدمت و در حریف مخالف پر دخت خالی از حضرت گونه نخواهد بود -

ارسطاطالیس را گفتند که مال جمع میکنی و این پسندیده حکما نباشد گفت حکیمان مال
از بهر آن جمع میکنند که محتاج السیما نشوند -

دانشمندی فرمود - هر چیزی را باندازه قدر آن ستایشش باید نمود زیرا که بعد از آن
زمان حقیقت آن روشن و نادانی تو مبسوس خواهد بود -

هوشنگ فرمود پادشاه را مستی نشاید چون او نگهبان کشور است و ثابته نیست که
نگهبان دیگری بگمارد کند -

داوید فرمود - آنکه در دوستی تراستتایشش کند بجزیکه در تو نباشد و در دوستی نیز
بدرگویی کند بجزیکه در تو نباشد -

نایم فرمود - لباس پاکیزه و تن چرکین نزد عقلا تبیختر بود چه نفس را با اخلاق زویسه
گذاشتن و فرود را بلباس نفیسه پراسحق نیکو نباشد -

افلاطون فرمود۔ چون بادشمن آغازِ مخاصمہ کنی از اطاعتِ غضبِ حذر کن کہ آن از دشمنی کمتر
 حکیم فرمود۔ شناختِ نیکو کار ہمیں ہیں کہ یکہ اطاعتِ تو میفرماید و بکہ نافرمانی میں نما یا اگر
 آجبت در کار ہای نیز خیریت والا غیر۔

عرب فرمود الاستعارة من المشعير كالشوال من الفقير

یعنی عاریت گرفتن از رعایت گیرندہ مانند سوال کردنست از محتاج۔

شاکہ ولی اللہ محدث دہلوی فرمود۔ کارِ عاقلان و حکیمان اینست کہ فقط استیفای نسبت
 مقصود نباشد بلکہ ایمن اقامت آن دفع کدیمی حاجت یا فتنیلت یا بادای کدیمی سنت و آفت شود۔
 عرب فرمود عادات السادات سادات العادات

یعنی عادتہای سرداران سردار ہای عادتہاست۔

سقراط فرمود۔ شرم نباید از آنکہ جس را قبول کنی از ہر کہ باشد اگر چه نکو بہی صورتی باشد
 چرا کہ جس در نفس خود خطیہم المنزلت۔

دیوجانس کلی را یکی دشنام داد و جواب گفت گفتند چرا تجمل ساختی و بیز انبردستی
 گفت اورا ہمیں سزا بہست کہ دشنام میدہ۔

بزرگی فرمود۔ جابل چون غرقتیست اورا از دور رعیت کن کہ اگر ہلاک شود ترا با نود نبرد۔

اقلیداس فرمود۔ بد نفس اظہار بہی و انضای یکی مردمان میکند چنانکہ گس اکثر بہ جای مخرج
 می نشیند و بردوست کمتر۔

نکتہ دہم متوسطا با مجاہدہ و استقلال از ذہن سا کہ ہمیش ثبات و تقامت متعین نباشد بہترست۔

ابوبکر و راق فرمود - اگر مسلمان بی پولی تو نشیند بکس از خود مراد که سپاوار بر خیزد و بر نشیند
گویند همین نیت بکس بروی برگزینستی -

ذوالنورین مصری فرمود عجب ویت آنت که بیده او باشی بهر حال چنانکه او خداوندتست بهر حال -
عرب فرمود وَعَدُّ الْكُرْبِيِّمِ الزَّمَمُ مِنَ ذِيِّ الْعَرَبِ

یعنی وعده جوانمرد لایترست از قرصه و قرصخواه

علی کرم الله وجهه فرمود - میان روی و در تیرانگی و در ویشی باعث استعداد میانست
و تنگداشت خودست از بلیات و مکر و باست زمانه -

مغول بهر معنی را و او در پی آن شفا که علت زایل میشود و پیر عاوت دل مائل -

سایخ زین الدین خاوری فرمود - بگردان تربیت مراد از صورت مرضیه آموخته اند اگر
مرضیه از ناخوردن پیر بگردد فرزند حاصل شود و الا آنجمله در فرزند اثر کند -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر کس ایست او گیرد یا با او کنار گیرد حقیقتاً چهل سال عبادت
رابعه بصریه فرمود و سموری از وقت اول نیند عریان آیدست چه حفظ اوقات افضلتر از عبادت

است که از آن عورتی میگردد و او را در دنیا و عقبی درستی میدهد -

عرب فرمود اَللّٰهُمَّ عِدَّةَ الْاَصْنَعَانِ بَدَّهْ اَوْ بَعْدَهُ

یعنی مردن و یک آزمایش بزرگی کرده میشود یا خوار کرده میشود -

علی کرم الله وجهه فرمود - بیشتر ملاکت عقول بیرون طمست چه بیرون بهر چیز که بر افند نابود
گرداند و طمع بهر که را سخن کرد و عقلم را نابود گرداند -

نود و نه بی منوچهر فرمود - فرزند ناقابل انگشت زاید است تا پدر اگر پیریزد در و پیدا آید اگر گزارند پدر نماز
ابو الحسن قوسی فرمود - در دنیا هیچ چیز باختر از دوستی نیست که دوستی وی
بفرضی باشد یا بعوضی -

حکیم رسولون فرمود - هیچ از افراد انسانی پیش رحلت از دار فانی نمیتواند که خود
را بهتر و خوشنصیب گویند -

ابو سلیمان رضی الله عنه فرمود - مرا یاری بود چون از چیزی میطلبیدم کیسه پیش من مینیاد
روزی گفت چه مقدار هم از آن روز آن صلوات دوستی که داشتم نماند -

لقمان حکیم فرمود - ازستی عقل آدمیت که پیش از آنکه امری راستوار سازد باظهار آن پروازد -
عرب فرمود من لم یؤدیه الا بوان اذ به الزمان

یعنی کسی که او ب نداد پروما در او ب و او او را زمانه -

ادریس علیه السلام فرمود - چون خواهی که با کسی طبع دوستی افکنی نخست او را بغضب آید
اگر در غضبش نصفتست لانی صحبتت -

جالینوس ابلهی را دید که دست در گریبان داشتندی زوجه بیحرمی میکرد گفت اگر این وانا
بودی کار او بانا دای پرتجا تر سیدی -

ذراة بن اوفی را شخصی بعالم رو یادید پرسید که نزد تو کدام عمل فضلت گفت
رضا بقضا و تصیر امل -

حکیم فرمود - نهان خود با سپیدی در میان نه چه با باشد که در دوستی خلیل گردد و دشمنی بدل گردد -

بزرگی را پس میداند که راست را باراست صحبت میباشد تیرا با کمان موافقت چگونه آمد
گفت بر راستی زه وقتیکه زه بصورت کمان گردود فی الفور از صحبت او میگریزد
سه شمار مذاهل دل این کتبه راست . . . که کج با کج گراید راست باراست
عربی فرمود علی الاقیام اشد ما من علیل الا لجسام
یعنی بیماریهای منها سختترست از بیماریهای بدنما -

صاحب بن عمید حکیم خوشنویس فرمود - شراب اصل کلید فسق و فجورست که پیش
سے نوشن قفل درهای بلا و اسیب باشد -

بقراط فرمود - هر که قریب سلطان اختیاریار نماید باید که با امانت او مضطر نشود که خواص را
از چشیدن آب شور چاره نیست -

حکیمی فرمود - که مسود همیشه در نخست و با پروردگار خود ستیزه سنج که بر تهمت دیگران گره بر او
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود - دور باشید از غیبت که غیبت از زنا بدترست تو با زنا
پذیرند و از غیبت پذیرند -

فیثا غورس فرمود - سیر که اول بدوستی گرفتنی و بعد از آن در یافتنی که املیت آرمیت
ندار و با او چنان سلوک باید که بدشمنی نگرایید -

سعدی فرمود - یکی از حکما شنیدم که میگفت هرگز کسی بجهل خود اقرار نکرده مگر آنکس که چون
دیگری در سخن باشد همچنان تمام نگفته سخن آغاز کند -

داناغی فرموده - دانا را چون بر حقون خستالی نظر افتد و قدری دل دانا و گوش

شماره چشم بینا دار و امر و نهی اور از رحی خود احسان عظیم نپارو۔

بہاء الدین نقشبند رحمہ اللہ علیہ را پر سید کہ سلسلہ شاکجا میرسد فرمود کہ از سلسلہ کسن بجائید

شیخ ابوالحسن خرقانی روزی با صحاب خود میگفت کہ چه بہتر بود گفتند شیخا ہم تو

بگویی گفت ولیکہ ہمہ وقت یا راں باشد۔

ابومنصور را پرسیدند کہ برای غسل آب رویم رو بکدام سمت کنیم گفت بجاہا خود کہ وزوز

و برہنہ نشوید۔

شاه ولی اللہ محدث دہلوی فرمود۔ در مجلس بدگویی کس کہ اہل پورپ چناں و اہل پنجاپ

چنین منقول چناں و قناں چنین شاید از قوم کسی از اہل حسیت باشد بد شکنی او صحبت منقص گردد۔

سقراط فرمود۔ خلاصہ تمام حکمت خوشنویسیت کہ از ان امنیت و سلامت حاصلست باعث الفت ہرل

حکیم فرمود۔ برای وسعت معاش جمع مال از وجہ حلال شرعاً سختست کہ از آدمیان

بہ نیاز و از دولت باز میدارو۔

ارسطو را پرسیدند کہ بلاغت حسیت گفت اقلال لفظی اخلال معنی

یعنی کہ بود الفاظ بدیندرجہ کہ درستی خللی نباشد۔

عرب فرمود الْعِلْمُ حُلِيَّةُ الْفَقِيهِ وَالْجَهْلُ حُلِيَّةُ السَّفِيهِ

یعنی علم زیور و اناست و جہل زیور ناوانست۔

حقیقہ جانہ تعالی او امر و نواہی کہ نافذ فرمودہ محض برای اصلاح معاشش و معارف

انسانست نہ حیت فلاح ذات و صفات خود۔

جالینوس فرمود: چنانکہ آدمی بدم پیری باوجود تئیر حال و خوب برگ از علاج باز نمی آید۔
 همچنان لافقت کہ ہر چند نفس بر کسب کمال قادر نباشد بقدر طاقت از کوشش باز نیاید۔
 ذکر یا علیہ السلام فرمود: حق تعالی سیر مایہ کہ حاسد و شمس نیست نیست و بر قضا و من خشم
 گیرد و شمس یکہ میان بندگان کردہ ام نپسندد۔

ارسطاطالیس از جوانی صاحب جمال سوال کرد جواب ترشش و ابلہانہ لبشیدہ گفت
 بیت حسن لوکان فیہ ساکن یعنی خانہ خوبست اگر کسی در آن بودی۔

حکایت شخصی سلطان العارفتین بایزید بسطامی را گفت کہ پارہ پوستین خود پس وہ تبارکات
 آن پس رسد شیخ فرمود اگر پوست بایزید پر پوشی سووت پندہ تا عمل بایزید نکنی۔
 تنبیہ اگرچہ آدمیان مکارانہ جنس خود را فریب میدہند اما پیش داور دادار کہ
 سہ کہ پیدا و پنهان نیز و شش کمیت ہ کیفر کردار گرفتار خواهند بود۔

عمر رضی اللہ عنہ فرمود: مرد را هیچ بہتر از عقل نیست کہ ہدایت کند مصاحب خود را براہ
 راست و باز وارد او را از گمراہی تمام برستیکہ تا کامل نشود ایمان مرد مستقیم نشود و پس او کہ کمال عقل
 نکتہ در خبرست کہ خدا تعالی بدار و علیہ السلام وحی کرد کہ قوم خود را بگوئی کہ پادشاہان عجب را
 بگویند کہ ایشان جہاز ابدال آبادان کردند تا بندگان میں دران نیک ننگانی مسکینند۔
 سلطان للشایخ نظام اولیا۔ فرمود۔ کہ در واقعہ کبابی یافتہم دران نوشتہ بود کہ
 تا امکان بدلی راحت ساں ازین رو کہ دل موس محل ظهور ربوبیتست۔

نکتہ خدا تعالی فرامی قیامت بانہ از بفسلی و بیماگی شرمندہ گوید کہ فلاں دانشمند

و عارف را ہمیشہ شناختی گوید آری فرماں رسد کہ ترا بونی بخشیدیم۔

پسید الطائفہ جنید فرمود۔ حکایات المشائخ چند میں جو دواللہ سے سخاں مشائخ و علم

و معرفت اسخ شکر است شکر باری خدای تعالیٰ بشوید ہر آن کہ عنایت تانما لفظ ہر بار روی و نبرہ است یا نیت

دارسطو فرمود۔ باری بخوان کسی کہ میل صحبت تو کند تا آنکہ ندانی غرض اور اگر محبت آیت است باوی مست

کس و اگر عارضیست با او ہنشینہی مکن کہ ہر گاہ غرض بر طرف شود و سستی بر طرف گردد۔

حکما گنہ اندہ کہ ترا ملویدہ و شنیدہ تملس بجا بردہ بران فریفتہ مشو کہ او غرضی از اغراض نفسانی با تو

متعلس وارد اگر آن روان شود ترا رسوا کند۔

بشرحانی رایگی گفت کہ مراد ما کس کہ عیال دارم و هیچ چیز ندارم فرمود و در آن حال کہ عیال ترا گوید کہ

نقہ نیست و دل تو از آن بدو آید از زمان مراد ما کس کہ در آنوقت دعا تو فاضلہ بود از وعای مس۔

سقا را فرمود۔ و عجم از کسی کہ داند و شناسد فنا و زوال را۔ دنیا چگونہ بازی میدہم اورا و غافل

میگرداند از چیزیکہ فنا و زوال را بران راہ نیست۔

باب الثانی

امام شافعی فرمود۔ ترا ضح محبت و قناعت راحت میفرزاید۔

صاحب دلی فرمود۔ در ہماں سنگ کہ کیست در کرم خود نگردد کہ مقتضی چیست۔

ضرب المثل۔ ملاشہل آساں و انساں شدن شکل۔

علی کرم اللہ وجہہ فرمود۔ دل احمق در وہیں و زبان عاقل در دل۔

حکیم مہادر جیبی فرمود۔ چنانکہ علم و ادب نشان سعادتست۔

همچنان بر و باری و فروتنی باعثِ قدر و منزلت -
 ضرب المثل خدا سببیند سپوشه همایه نسیمیند مخیر و شد -
 گود زین پیلاس فرمود - تاوان را به از خموشی هنری نیست -
 بیرون پسر او چون این سخن یسئید گفت اگر تاوان آینهی را با اذناوان نیست -
 حدیث نیکوی کنسید در حق ماور و پرد خویشش تا نیکوی کنسید سپران شما در حق شما -
 سعیدای فرمود - همه کس را عقل خود بکمال نماید و فرزند خود بجمال -
 حکیم اسفیلوف فرمود - عالم بویل و عابد بمیرفت چون گاو و عصارست -
 بزرگی فرمود - علم اندک بعمل بسیار بسیار - و علم بسیار بعمل اندک اندک -
 حکیم فرمود حیوان بیشتر بانی و انسان بزبان سختیها گشتند -
 عاقل فرمود - بنیاد دوستی استحکام پذیرد و الا بتواضع و بمراد و تاوان رسید الالبعبیر -
 بطلیوس فرمود - قید خانه جسم مرض و ستم - و قید خانه روح رنج و غمت -
 کشتاسپ فرمود - بیدانشان چون گوسفندان و دشمنان آنها را نگهبانانند -
 حکیم فرمود - زن خوب قیمت ندارد - و زن بد هم قیمت ندارد یعنی بیسج یعنی ارزو -
 حاذقی فرمود - جس و تسبیح انسان بمعاملات توان شناخت نه بملاقات -
 سقراط فرمود - خاموشیکه لبوال کسی کلام کند از آن گویا بهترست که بگفتن کسی خاموشش گردد -
 سعیدای فرمود - شیطان با تخلصان بر نیاید و سلطان با مفاسان -
 رسول صله الله علیه و سلم و عاقر فرمودی بار خدا یا خلق من نیکو آفریدی خلق من نیکو گس -

نصیحت مجلس علما و صحبت حکما نیکترین جا با و کار است -

دارای فرمود - نباید فروشد با بجز در بیکار کند - و بسیار با مست کارزار نماید -

شایسته فرمود - پاکدامنی جز بیاری خدا دست نهد - و دانشش بخیر است او پیدا نشود -

حقیقه فرمود - علم بیل بیکانگیست - و عمل بیل و پروانگیست -

فاضل فرمود - عالم گفتار و در عالم بسیار - اما عالم کردار بودن بس دشوار -

سقراط فرمود - کسیکه از خدا ترسد از همه کس ترسد - و کسیکه از خدا ترسد از همه کس ترسد -

نکنه عارف برود و در پنج شادی میکند - چون عامی که بر حصول گنج مبارک باوی -

حدیث ایمان راست نمیشود تا دل راست نباشد - و دل راست نمیشود تا زبان راست نباشد -

بزرگی فرمود - در تندی و تیزی قوت مطالبست - و در لجاجت نقصان مرتب -

خسرو پرویز فرمود - شکر کننده را نعمت دهد - و نعمت دهنده را شاکر گویند -

هوشنگ فرمود - تمسک را شپیمانست اگر چه تاشیش کنند - و تمسک آسوده است اگر چه سز نشیش نمایند -

حکایا متاخرین فرمود - غموشی بد از بختست - و سخن نیک با از خموشیست -

حکیم فرمود - برگ نیکو کار آسودگی آمنتست - و برگ بدکار آسودگی جهان -

مدقق فرمود - امروز بهمان به که فردا بکار آید - و فردا بهمان بکار آید که امروز بجهل آید -

ابو عثمان دمشقی فرمود - عقل سبب صفای نفسست - و جهل باعث کدورت -

عاقلی فرمود - آغاز دوستی نیک گفتنتست - و آغاز دشمنی بد گفتنت -

حکیم فرمود - عاقل دانسته میشود بسیار خاموشی و جاہل دانسته میشود بسیار گفتنت -

افلاطون فرمود - از دوستان رنج بدون وافتشای راز آنها کردن آثار ضعیف است -

بزرگی فرمود - ذکر جوانی در پیری و ذکر توانگری در فقیری راست نیاید -

دیرجانس کلی فرمود - قناعت بقلبت مال غزنت - و حرص بکثرت مال ذلت -

خلیقه فرمود - خوشخویش بگمانگان - و بدخویگانه خویشان -

حکیم فرمود چشم و گوشن مسایگان در بصارت و سماعت از چشم و گوشن ما تبرست -

سید احمد رفاعی فرمود - همیشه زبان و گوشش خود را از گفتن شنیده نگاه باید داشت -

محقق فرمود - آدم قابل هر جا که رود عزیزست و جاهل در وطن ناچیز -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود - مومن مزاج کن شیرین سخن - و منافق ترش رو و گره بر آید -

سقراط را پرسیدند چه نزدیک است گفت اجل گفتند چه چیز دور است گفت حصول اهل -

نکنه کبیره با استغفار صغیره است و صغیره با صبر کبیره است -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود الْعِلْمُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَ سِرَاجُ الْإِسْلَامِ

علی کرم الله وجهه فرمود - معرفت بی علم محال - و علم بی معرفت وبال -

خواجه عبد الله انصاری فرمود - طبع از هر که گروی آید گشتی - و مبت بر هر نهادی امیر گشتی -

صالحی فرمود - توبه از خصمیان آنگاه سزاوارست که خود را بصالحان شمارد و نسبت

بروزگذاری -

حدیث حکمت زیاده میکند شرانت شریف را - و بلند مرتبه میکند غلام راحتی که مینشاند او را

بجاسس پادشاهان -

امام فخرالدین رازی فرمود - صاحب بردت سخن که میگوید راست میگوید و وعده که میکند ایفا
 عابدی فرمود - مشروطیت کی است که اگر بچاه افندی چشم فرور امل است کن - و اگر بچاه
 آئی منعم راست گفت کن -

حکایت شخصی از اسکندر پیزی خواست فرمود از حوضه که تو زیاده است گفت از حوضه که
 زیاده نیست فرمود که بداند -

تظیف فرمود - پاکان باطن را بنا پاکی ظاهر چه کار و پاکان ظاهر را بنا پاکی باطن احتیاج بسیار -
 حدیث هر که بر خدا استعالی و روز قیامت ایمان دار و او را باید که سخن نیک گوید یا خاموش باشد -
 حکمت فرمود - هر که از مردمان و قنصت بیناست و هر که از خود و قنصت و اناست -

سلیقه یعنی سرست و طبیعت و آن بر دو معنی امر مکتب اول هر چیز را بر جا آوردار و دوم هر
 کار را بر وقت او بجا آر -

عقیق گفته - عیبهای دیگر از حساب آوردن نهایت سملست و عیب خود را انتخاب کردن
 بنامیت شکل -

صلح بمانی فرمود - قول مطابق فعل و فعل موافق قول بودن اعلی شناخت عارفان خدا
 خدا و ستانست -

حکیم فرمود - لازمست که در دست او دستداری - و نه لازمست که دشمن دست
 دشمن داری -

فیتا خوردن فرمود - زنده آنست که در زندگی مرده - و مرده آنست که خود را زنده شمرده -

اصغیلوس حکیم را پرسیدند که چرا زں تنگینی گفت از اصلاح نفس خود عاجزم یا صلاح
دیگری نتوانم که پروازم -

حکیم ابو عجم حوقی فرمود - زبان کلید اسرار دست - و دل خزانه اسرار است
امول و زبان اکثری لائی این کاریست -

سقراط فرمود - وقت جنگ آہں از طلا بیش بہا میباشد - و عقل از طلا ہمہ جا بیش
بہا میباشد -

شیخی فرمود - آدمی پیرانگہ شود کہ سیاہی از دل او دور شود نہ سیاہی از دلوای
بر حال او کہ رو سپید و دل سیاہ گروید -

بطلمیوس فرمود - تنگینت آنکہ از حال او دیگران پنہ گیرند - و بدبخت آنکہ از حال او
دیگران پنہ گیرند -

سید احمد رفاعی فرمود - آنکہ میدانند کہ پروردگار بر چه خواهد میسازد پس کار خود را
بکار سازد مقدر میسپارد - و پیشانی خود بر خاک تسلیم میکند -

امام فخرالدین رازی فرمود - هیچگاہ بر حال خود نظر کردہ عجب کن کہ فیض و آب حیات
غیر متناہست (و بہتر ازین نظر نال باشن -

حکیم جنین بن اسحاق فرمود - ہر کہ از خواری و لذت دنیا خواہد ترسید سعادت افزوی
نخواہد رسید -

عاقلی فرمود - خود مندر آید و کس حیف آید تا بیکہ کسب کمال نکوشد تا تا بیکہ

بکسبِ کمال بپوشد -

سقراط را پرسیدند که شاگرد شما چه وقت بکمال میرسد گفت آنوقت که بستایش خوشحال و بسلامت نمکین نگردد -

اسکندر فرمود - چه ذیاست گفتن و نکردن - در چه بیست کردن پیش از گفتن -

فاضل فرمود - خواننده علم اگر کمتر باشد بهتر گردد - و اگر درویش باشد توانگر گردد -

حکیم فرمود خموش باش تا حاجت یاج بگفتن نباشد سخن گوی در جائیکه خموشی ضرر نماند -

سید احمد رفاعی فرمود - کسیکه بنجد پناه می آرد جلیل میگردد - و کسیکه بجز خدا بر دیگری

اعتماد میکند ذلیل میگردد -

حکیم عیسی بن علی جراح فرمود - که بتنگدستی و سختی با علما بسردن بهتر از کجبعیت

و فراخ دستی با جهل اوقات خراب کردن -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود آدمی پیشتر شود و چیز در باقی ماندگی حرص - دیگری امید -

عتیق گفته که عقل همه ذلیل در هر کار در کار است و عقل برای عدل بسیار در کار -

در خبر بنشیند یکس از شما فروتر است تا رحم کند بر شما کسیکه از شما برتر است -

ادریس علیه السلام فرمود - عاقل همانکه طالب حکمت و اسرار باشد و بصیبتیکه همه شامل باشد

بیقرار نباشد -

افلاطون فرمود - چندانکه داناتر باشی خود را نادان شمار و آنچه ندانی با سوختن آن شرم مزن

بزرگ جهر فرمود - آنچه در دست نیست نمیدانم که از بهر کسیت و آنچه نصیب نیست

شیدا نم که در دست کیت -

علی بن حسین هندامکنی فرمود - آدسیرا با پیکه بوقت جد و جهد قوی - و بوقت هرزه و نزل ضعیف باشد -

بقراط فرمود - داناترین مردمان آنست که بحالت عسرت دل تنگ نشینند و در وقتهای دنیا را بر نعمتهای عقبی نگزینند -

سقراط فرمود - حاصل کار با تدبیرست و اصل تدبیر تقدیر - تقدیر بر تدبیر غالبست که آن علویست و این سفلی -

صاحب دلی را پرسیدند که آن چه چیزست که از جان عزیزست گفت دینت دار را سخاو و کرامت و بیدین را دوام و درم -

بزرگی فرمود - خود را در وقت نگاه باید داشت هنگام طعام خوردن و هنگام کلام کردن اقلیداس فرمود - ورود و پراود خصوصت میفکند که این با مر جزوی یکی خواهند بود و بدی تو بچنان خواهد ماند -

صاحب دلی فرمود - دنیا دار مکانفاست اگر با کسی نیکی کنی و دیگران هم بجزای آن گرانند و اگر بدی کنی بجزای آن برآیند -

فقیری فرمود - در رویش را دو چیز شکسته بهترست - نیچی دل و دیگری نفس -

همچنین دو چیز مستحکم خوشتر - کمی ایماں و دیگری اعتقاد -

امام فخرالدین رازی فرمود - دوستان خدا در محنت و بلا مضطر نیاشند که محنت و بلا

صراطیست گذرگاهِ مردانِ خدا -

صاحب‌دلی فرمود - نفع سکوت زیاده است از نفع سخن گفتن و ضرر سخن گفتن زیاده است از ضرر سکوت -

سقراط فرمود - هر فعلیکه بوجوه تو موجود باشد تا از خود دفع نکنی کسیر از آن منع کنی -

حکیم زیتون بن طالو غورس فرمود - در دنیا از همه کارها شکار نفس خود را شناس و راز پنهان داشتنت -

حکیم غورس فرمود - تو انگری بدن از ماست و تو انگری نفس از عقل و آن هر دو یعنی بدن و مال

نا نیست و این باقی -

حکایت - در شکر اسکندر شخصی اسکندر نام داشت و در جنگ اکثر گزیر میکرد اسکندر او را طلب سید و گفت یا تبدیل نام کن یا کار عدیل نام -

حکیم اشکاس فرمود - چندان شیرین مشو که بخلق فرو برند و چندان تلخ مباشش که از زبان بیگستند -

سعیدی فرمود - چند آنکه و اما از انما و ان نفرتست تا و ان را نیز از صحبت و اما و حشمت -

بزرگوار فرمود - که بزرگترین پادشاهان آنست که نیکوکاران از وی خرسند و گنهگاران از وی سینه
شاه ولی الله محدث دهلوی فرمود - صحبت ابرار و انبیا بعد از آنرا نپذیرد و صحبت اشرار
و فجار جلد ترا میگیرد -

صاحب‌دلی فرمود - زبانا بعد سکوت در بند تا نخواسته نگوی - و پای را بکند سکون

مقید سازتا نخواذہ فرود۔

حکیم قینا غورس فرمود۔ سیالائیہ زبانیہ خور را بدشنام و گوش خورا ضایع
کنید ایشان آن۔

سعدی فرمود۔ پادشاہان نصیحت فرودندان ازان تمام جتراند کہ فرودندان بلازست
پادشاہان۔

مضاحکہ۔ شخصی حکیم او برس گفت کہ در اشعار بسیار دروغ میگوید گفت حسن شعر
در دروغت اگر راست میخوای نزدیکت برآں برد۔

ابوبکر و راق فرمود۔ اگر طبع را پسند کہ پذیر تو کنیت گویشک در مقدمات کردگارے
و اگر گویند پیشہ تو چیست گویشک حرام گرفتارے۔

حکیم ہمتیار بن صردیان فرمود۔ عقل روز غربت و تنہائی مونسست ہر کہ از لذت عقل
تفایافت باز اورا لذتہ مرض و تمارض نماید۔

حکیم فرمود۔ فرودند کریم مال از برای دوستان بشمارد۔ و بجز دشمن از ہر او دشمنان میگزارد
صاحب دانی فرمود۔ تفاوت میان درویش و گدا ہمینست کہ درویش دنیا ترک کردہ باشد
و گدا ہمانکہ اورا دنیا ترک کردہ باشد۔

شیخ نصیر الدین چراغ دہلوی فرمود۔ غم پان خزون باید و پنی کرامت بودن نشاید

حکیم اسفیلوف فرمود۔ تعجب دارم از کسی کہ باحتمال ضرر از طعام مضر پاک میخورد
ہم آفرت خود را از گناہان پاک نمیدارند۔

حکیمی فرمود - کسیکه بیوفای اخلاصت کند یا بروی اعتماد نماید آخر الامر امید گردد و یا بدام فریب آید -

حکیم سولون را پرسیدند که در میان کسان کجا نیند فرمود کسیا نیکه حاضرند دل آنها شاد کنی و آنها که غائب بنسبکی یازند

سقراط حکیم فرمود - نیک و دو کسند عالم گریائی می و خاموشی شنوای می -

سعدی فرمود - ملک از خود مندان جمال گیرد و دین از پرستیز گاران کمال پذیرد -

محقق فرمود - مردان دین با خود جنگی کنند که آنرا صلحی نباشد زیرا که نفس ضد دینست مرد

دین با ضد دین صلح نتواند کرد -

لقمان حکیم فرمود - وانا انست که بدل او خوف خدا باشد و لانی تعظیم انست که خدا را بشناسد -

حکیم فرمود - انسان را باید که بدوست و دشمن احسان نماید که از آن دوستی دوست زیادتر

گردد و دشمنی دشمن کمتر -

ادریس علیه السلام فرمود - نادان اگر چه بزرگ باشد از نظر بصیرت خود باید دید و نادان اگر چه

خرد باشد او را از نظر حقیقت بزرگ باید فهمید -

معروف کرخ فرمود - صوفی اینجا همانست و تقاضای مهان بر زمین باں جفاست که

سه مهان با دین متذوقی متقاضی -

حکیم فرمود - با بخردان و رهنزل و فسوسس آویختن آبروی بزرگی رنجیست و غبار دولت

و خواری آویختن -

سعدی فرمود - اندیشه کردن که چه گویم به از پیشانی خوردن که چه گفتتم

سقراط فرمود - بدترین خصلت کریم ترک عمل اوست و بهترین خصلت کریم ترک عمل اوست -

جالینوس فرمود۔ مریضی را کہ اشتہا باشد از واسیہ زندگی ازین تندرست کہ او را اشتہا
نباشد زیادہ است۔

یوسف ابو الحسن فرمود۔ ہمہ نیکو بیبا در خانہ ایست و کلید آن تواضع و فروتنیست و
ہمہ بد بیبا در خانہ ایست و کلید آن مانع و نیست۔

نصیحت عبادت موجب دفع اذیت و رفع عذاب و ارنیست و معصیت باعث تنگی
رزق و خسارت کونین۔

رسول صلی اللہ علیہ السلام فرمود۔ بدترین جایگاہ بازار است و بہترین
جایگاہ مسجد است۔

علی کرم اللہ وجہہ فرمود احدثر الکریم اذا جاء واللثیم اذا اشباع یعنی
بندیش از حملہ کریم وقتیکہ گرسنہ شود۔ و بترس از حملہ لثیم وقتیکہ سیر کردہ
خواجه عبد اللہ انصاری فرمود۔ در ظلمات خواہش نفسانی میا ساسے و از
کہورات و سادس شیطان پیرون آ۔

مشاہد ولی اللہ محدث دہلوی فرمود۔ بزماں حدوث فتن گوشہ گرفتن طریقہ ایتقہ صلی
سلفیت چہ نیکام شگامہ عموم از و گروہ شرک۔ لگروہ بودن خود را ازین دور نمودنت۔
عارفی فرمود۔ کسیکہ تبرسد از کد امی شی بگریزد از او۔ و کسیکہ تبرسد از خدا متعابر و
بسوی او وسیل کند جانب او۔

اخلاطیون فرمود۔ اگر دینکی رنجی بری۔ پنج نامزدیکی بانہ۔ و اگر از بدی لذتے

یا بی لذت نماز و بدی بماند۔

نکتہ۔ دوستی و دوستان صادق را وقایعی باشد۔ و دوستان کیسہ و کائے و پایلہ و
توالہ را بقای نباشد۔

رسول مقبول صلی اللہ علیہ وسلم فرمود۔ و نعمتت کہ بیشترین خلق و راں منبوتند
یکی تندرستی۔ دوم فراغت۔

علی کرم اللہ وجہہ فرمود۔ وفا کروں باہلِ غدر کہ عمدہ را بشکند حکمِ غدر دارد۔ و نیز و یک
حق بجانب غدر کروں باہلِ غدر حکمِ وفا دارد۔

خواجہ عبد اللہ انصاری فرمود۔ خوشناسی را بسیار بیکراں و اں و اندکِ خود را
بہتر از بسیار دیگران و اں۔

عالمی فرمود۔ کسیکہ مریض شد بدوستی دنیا نیاید جلالتِ آخرت را بدوستیکہ مریض
جلالتِ اشیا نئی باید چنانکہ باید۔

فلا اهلون فرمود۔ حکیم شکر کسی را کہ بلذتی از لذاتِ دنیوی جاہل باشد و دارد۔ یا مصیبتی از
مصیبتہا دنیوی زباز را بفریاد آرد۔

محقق فرمود۔ کہ بہترین پارانست کہ قدیم العمد باشد کہ خیر الاشیا، جدیدہا و خیر الاخوان
قدیما۔

حدیث گرامی و ارید فرزندانِ خود را ہر کہ گرامی دارد و فرزندانِ خود را گرامی دارد
خدا تعالیٰ اورا در بہشت۔

خواجہ عبد اللہ انصاری فرمود - ظلم اگرچہ بسیار است اما سبر آید - و ظالم اگرچہ جبار
ست آخر سبر در آید -

افلاطون فرمود - با دوست چنان معاملہ کن کہ بحاکم محتاج شوی - و با دشمن معاملہ چنان کن
کہ اگر بحاکم عرض رو و ظفر ترا باشد -

حاذقی فرمود - آدمی را چون کار با تدبیر موانع افتد بر صیانت رانی خویش تنگ
سفر آید - و چون مخالف گردد حوالہ بتقدیر سینما یزید -

عیسی علیہ السلام فرمود - ہر کہ بعلم صحیح از روی انصاف بانفس بیمار خود معاملہ
خواہد نمود اورا حاجت طبیب نخواہد بود -

حضرت یائزید را پرسیدند کہ سنت کہ است و فرض کہ ام فرمود - سنت تنگ
و نیاست و فرض صحبت مولا -

عالمی فرمود - قدر شکرکنندہ از نعمت دہندہ بیشترست چہ شکر باقی ماند و نعمت فانی گردد -
پادشاہی از عالمی پرسید کہ نصرت اہل ایمان در چند چیزست گفت در دو چیزست یکی
در ادای نماز - دوم توکل بر کرم کار ساز -

بزرگمردی از استاد پرسید ذرینجاں چہ تدبیر باید کرد - گفت ہی خویشاں بگذاری و
تو ششہ آنجاں برداری -

ایضاً کا فر نعمت را بزل نشاید اگرچہ سختی باشد و شکرکنندہ را عطیہ محمودست گو غنی باشد -
سقراط فرمود - فرحت زود در دست و دیر آئندہ و رنج زود آئندہ و دیر پایندہ -

بقراط فرمود۔ تعظیم بزرگان خود قرار واقعی نمانا، نماز کہ بزرگ ہستی نیز تعظیم تو سعی نمایند۔

حدیث بدترین علمائے وقت تعالیٰ آمانت کہ بنوا ماردند۔ و بہترین امتانند کہ بنو علمائے ماردند۔

ابو عثمان دمشقی فرمود۔ چون چشمان ظاہر محروس و شہوت کشادہ گرد و چشمان باطن از نشانی

نیکی بستہ گردد۔

ابو حفص حداد را پرسیدند کہ عبودیت چیست گفت ہرچہ ترک کنی و ملازم باشی

پسیرا کہ فرمودہ اند۔

استراہ فرمود۔ عالم طبیب و نیت و مال مرض دین ہر گاہ طبیب بر مرض گرفتار آید علاج دیگران

از او شوار آید۔

یحییٰ بن خالد فرمود کہیم چون پارسا شود و شک گردد۔ و ناکس و سفیہ چون پارسا

شود متکبر گردد۔

حکایہ زینوں بن طالون غورس فرمود۔ از شمشیر تیز تر زبان فصاحت و از ہمہ چیز نا

پسیرا سفیہ تر فصاحت۔

ادریس علیہ السلام فرمود۔ ما فخرین چیز ہا مردم راقناعت و رضاست۔ و بہترین چیز ہا

محروس و عنفیت۔

حدیث اولی ترین مردم کسیست کہ آواز بسلام کند۔ و ہر کہ سختی آغاز کند پیش از سلام

اور اجواب گوئید۔

حدیث۔ تعالیٰ ایماں بیا فرمید و گرد گرفت آزا بسخا دشتم۔ و کفر بیا فرمید و گرد گرفت از بنی خاتم